

مهدویت و موعودگرایی

جلسه اول

موضوع: تعریف مهدویت و موعودگرایی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم صل على محمد و آل محمد و اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

ما با دو نهاد مواجهیم؛ نهاد مهدویت و نهاد موعودگرایی و منجی گرایی

مهدویت یعنی اعتقاد به آمدن یک منجی؛ مصلح عادل، حکیم، مقتدر در آخر الزمان؛ از نسل پیامبر اسلام از نره فاطمه زهرا سلام الله علیها "بنام مهدی"؛ آن چه عرض میکنم هم در متون شیعه وجود دارد هم در متون سنیان؛ از نره امام حسین و حتی در برخی منابع از نره امام حسن علیهم السلام ذکر شده است. چون توجه دارید که ازدواج امام سجاد علیه السلام با یکی از دختران امام حسن هست که امام باقر علیه السلام متولد می شوند یعنی امام باقر علیه السلام در واقع فرزند فاطمه بنت الحسن علیه السلام می باشند.

و طبیعتاً از این طریق ائمه بعد از امام باقر انتساب پیدا میکنند علاوه بر امام حسین به امام حسن علیهما السلام و در روایت هم به هر دو شکل آمده است.

آمده فرزندی خواهد آمد که نام او مهدی است. این شخصیت عظیم را از امام حسن عسکری بدانیم که باور ما شیعیان و بخش عظیمی از سنیان است. شخصیت معروف متولد نیمه شعبان 255 هجری قمری است.

و برخی از اهل سنت نیز بر این باورند که این شخصیت بزرگوار مهدی است. مناسبت تولد و یاد و گرامیداشت آن حضرت در بین شیعیان و تمام مسائل مربوط به این جریان به نام مهدویت معروف است.

همانطور که اشاره کردم جریان اعتقاد به موعود و آمدن یک مصلح یک باور بشری است.

یعنی حتی از ادیان هم تجاوز می کند و خارج میشود این که یک موعود می آید و حکومتی تشکیل میدهد و حکومت واحدی را تشکیل میدهد و جهان نا امن و پر از ظلم را مملو از قسط و عدل می کند این باور عموم انسان ها است.

سابقه موعود شناسی در ادیان مختلف

در ادیان توحیدی و غیر توحیدی وقتی مراجعه می کنیم متوجه می شویم که هر کدام نامی را برای این موعود و منجی انتخاب کرده اند؛

انجیل متی در فصل بیست و چهارم؛ لوقا فصل بیست و یک آیات 21 تا 39؛ انجیل مرقس فصل... آیات بیست و چهار تا سی و هفت؛ تعبیری که از موعود می کند این است که او فرزند انسان است؛ خیلی شبیه به باور ما مسلمانان است و در آن منابع ذکر شده که هیچ کس غیر پدر از آن روز خبر ندارد. زمان ظهور پسر انسان درست مانند روزگار نوح خواهد بود؛ در روزهای قبل از طوفان نوح مردم میخوردند، می نوشیدند و ازدواج میکردند... تا این که سیل آمد و همه را از بین برد؛ ظهور پسر انسان نیز به همین شکل خواهد بود؛ پسر انسان در ساعتی که انتظار ندارید خواهد آمد.

البته من اصرار ندارم که مسیحیان این پسر انسان را حتماً بر مهدی تطبیق کنند. به هر حال تفسیری است که ممکن است افراد مختلف از آن در ادیان گوناگون داشته باشند.

اما آن چه مهم است این که مسیحیت در انتظار زمان ظهور پسر انسان است. من یک زمانی فکر می کردم که چرا انجیل از امام زمان تعبیر به پسر انسان می کند و تعبیری دیگری ندارد. به نظرم رسید می خواهد برای اهل فهم بگوید: این پسر متعلق به انسان است برای انسانیت است. و لذا وقتی هم که بیاید خانه مشترک بشریت را می سازد. یهود را بررسی میکنیم؛ یهود هم به نهاد صلح معتقد است اما نه به این معنا که جنگی نیست؛ و انسان ها کنار هم زندگی می کنند و نمی جنگند. آنها معانی و تعبیری که از صلح دارند این است صلح انسان ها با یکدیگر یا با طبیعت؛ یا صلح انسان با همه هستی؛ و آن ها ظهور مسیح را ظهور می دانند.

در آیین زرتشت می بینیم که اینها به موعود معتقدند به سوشیانت. در ادیان دیگر در بودیسم و هندوئیسم و همه این ها به موعود معتقدند کَرِشِنای در بودا و یا بودای پنجم باز بودائیان مطرح می کنند و نقطه مشترک اینها را به یک موعود می رسانند و همه این ها موعود را قبول دارند. و نقطه اشتراک همه این ها این است که کسی می آید و قدرتی دارد و به برپایی عدل اقدام می کند. اعتقاد به مهدویت یک باور شیعی است که در آن بحثی نیست؛ طبیعتا باید ببینیم که این جریان ریشه قرآنی هم دارد یا نه .. و موقعیت این نهاد به عنوان یک باور در میان اهل تسنن چگونه است؟

ما وقتی قرآن را باز می کنیم در واقع با یادی از امام مهدی شروع می شود.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ
الَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْأَغْيَابِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
مفسرین شیعه می گویند یکی از مصادیق غیب وجود مهدی است.

کتابی که من الان در دست خودم دارم؛ تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب فخر رازی است. از عالمان سنی معروف و مشهور قرن ششم است.

ایشان وقتی به این آیه می رسد؛ اشاره می کند به همین اندیشه شیعه و در تفسیر خود می گوید المراد بالغیب؛ المهدی المنتظر است و بعد ادامه میدهد و مطالبی را بیان می کند و ایشان کسی است که در بدیهی ترین مسائل هم تشکیک می کند و لقبی هم به ایشان داده اند: «امام المشککین» است.

یعنی رب النوع تشکیک است؛ وقتی باور شیعه را نقل می کند که گفته شده است مراد از غیب مهدی است و ادامه می گوید این مهدی همان کسی است که قرآن و خبر به آن وعده داده اند.

و بعد اشاره می کند به آیه 55 سوره نور:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و بعد اشاره می کند به خبری که از پیامبر رسیده است که اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند متعال آن روز را طولانی می کند تا مردی از خاندان من ظهور کند؛ نام او هم نام من است؛ و کنیه او کنیه من است و میلا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا ایشان در واقع هم آیه و هم روایت را قبول می کند و تنها اشکال کار بر ایشان این است که می گوید غیب منحصر به مهدی نیست که البته جواب ما هم این است که مگر شیعه می گوید: غیب منحصر به مهدی است؟ غیب می تواند مصداقش خدای متعال یا قیامت و یک مصداق آن روز قیامت و یا مهدی باشد ... در واقع قرآن با تفاسیلی که ذیل آن آمده با یاد مهدی شروع می شود با یاد مهدی ادامه می یابد و با یاد مهدی تمام می شود.

انا اعطیناک الکوثر و کوثر یک مصداقش فاطمه است.

و یک مصداقش هم مهدی است.

مامعتقدیم علی بن ابیطالب یک مصداق کوثر است یک هدیه از پیامبر است که او، ایشان را در دامان بشر قرار داد.

او من الاسلام و للانسان است.

چهل صحابی رسول خدا از مهدویت و امام زمان نام برده اند و حدود چهارصد روایت ما از اهل تسنن درباره مهدویت داریم.

و حتی بزرگانی از اهل تسنن در خصوص مهدویت کتاب نوشته اند.

ابونعیم ؛ اخبار المهدی می نویسد ...

القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نوشته می شود

مغربی هم با همین عنوان المهدی را می نویسد..

حتی ابن خلدون نابخردی از اهل تسنن که در اثر خود در این باره تشکیک می کند عالمان اهل تسنن در رد او کتاب مینویسند.

(إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون (غماری مغربی))

به همان وزانی که ما مهدویت را در تشیع داریم در اهل سنت هم داریم .

اهل تسنن دو گروه اند؛ برخی معتقدند که او متولد شده است و هست تا زمانی که ظهور کند و برخی معتقدند که او متولد خواهد شد.

فایل pdf [کلیک کنید](#)